

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625

Article Cod: SH26R9311421

ISSN-P: 2676-6442

جنگ، ناامنی اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان: راهبردهای

خانواده برای مدیریت فشارهای معیشتی بر تربیت نسل جدید

(تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۱/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۵/۰۳/۰۴)

شایسته فخری^۱

آزاده بیدار

چکیده

ناامنی اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای ساختاری بی‌ثباتی اجتماعی، تأثیرات عمیقی بر زیست جهان خانواده‌ها و روند رشد نوجوانان بر جای می‌گذارد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و میان‌رشته‌ای، رابطه میان فشارهای معیشتی، کارکردهای تربیتی خانواده و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی در نوجوانان را بررسی می‌کند. ابتدا ابعاد مفهومی ناامنی اقتصادی و حساسیت‌های تحولی نوجوانان تبیین شده و سپس با بهره‌گیری از مدل فشار اقتصادی خانواده، نظریه فشار مرتون و چارچوب تاب‌آوری خانوادگی، نحوه اثرگذاری بحران‌های معیشتی بر چهار حوزه روانی، ارتباطی، هویتی و انگیزشی نوجوان تحلیل می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که فشارهای اقتصادی نه تنها ساختار عاطفی و ارتباطی خانواده را دچار فرسایش می‌کند، بلکه از طریق کاهش سرمایه اجتماعی و انسداد افق آینده، احتمال بروز آسیب‌های اجتماعی را در میان نوجوانان افزایش می‌دهد. در ادامه، راهبردهای خانواده برای مدیریت این فشارها در پنج محور هیجانی، ارتباطی، هویتی، تحصیلی و اقتصادی تشریح شده و چالش‌ها و محدودیت‌هایی که مانع ایفای نقش حمایتی خانواده می‌شوند مورد بررسی قرار

^۱ نویسنده مسئول

گرفته است. در نهایت، مجموعه‌ای از مداخلات و سیاست‌های اجتماعی برای تقویت ظرفیت خانواده‌ها و حمایت از نوجوانان در برابر پیامدهای ناامنی اقتصادی پیشنهاد شده است. این پژوهش بر این فرض استوار است که توانمندسازی خانواده، در کنار حمایت‌های نهادی و اجتماعی، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آسیب‌پذیری نسل جدید در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی ایفا کند.

واژگان کلیدی: ناامنی اقتصادی، آسیب‌های اجتماعی، فشار اقتصادی، تاب‌آوری خانوادگی، سرمایه اجتماعی

مقدمه

تحولات پرشتاب دهه‌های اخیر نشان داده است که امنیت در جهان معاصر بیش از هر زمان دیگری چندان‌بعدی و شکننده شده است. اگر در گذشته «جنگ» و بی‌ثباتی عمدتاً در سطح نظامی فهم می‌شد، امروز پیامدهای آن از مرزهای سیاسی عبور کرده و به عمق زندگی اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها نفوذ کرده است. ناامنی اقتصادی اعم از نوسان معیشتی، کاهش قدرت خرید، بی‌ثباتی اشتغال و فرسایش رفاه روانی به یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار بر کیفیت روابط خانوادگی و فرآیند تربیت نسل جدید تبدیل شده است. اثرات این وضعیت تنها در قالب مشکلات مالی آشکار نمی‌شود، بلکه به شکل‌گیری نوعی «ناامنی وجودی» در خانواده‌ها منجر می‌شود که بنیان‌های عاطفی و ارتباطی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد. در این میان، نوجوانان به دلیل شرایط ویژه رشد از جمله فرآیند شکل‌گیری هویت، نیاز شدید به تعلق اجتماعی، حساسیت نسبت به آینده، و مهارت‌های محدود در مدیریت تنش‌های مزمن بیش از سایر اعضای خانواده در معرض پیامدهای منفی ناامنی اقتصادی قرار

می گیرند. تجربه بحران های اقتصادی نه تنها می تواند انگیزه تحصیلی و امید به آینده آنان را تضعیف کند، بلکه زمینه بروز انواع آسیب های اجتماعی همچون پرخاشگری، افت تحصیلی، ترک تحصیل، وابستگی به گروه های پرخطر، بزه کاری خُرد، و اختلالات هیجانی مانند اضطراب و ناامیدی را افزایش می دهد. بدین ترتیب، فشار معیشتی از سطح اقتصاد خانواده فراتر رفته و به یک پدیده عمیقاً تربیتی و اجتماعی بدل می شود که بر فرایند جامعه پذیری نوجوانان اثر گذار است. خانواده در چنین شرایطی نه تنها با محدودیت منابع مالی مواجه است، بلکه با فرسایش روانی، کاهش کیفیت ارتباطات، افزایش تعارضات روزمره، و کاسته شدن از توان عاطفی و تربیتی روبه رو می شود. در بسیاری از موارد، فشار معیشتی به زبان ارتباطی خانواده منتقل می شود و به شکل سرزنش، کم حوصلگی، بی توجهی یا سخت گیری بیش از حد نمود پیدا می کند. امری که رابطه والد-نوجوان را تضعیف کرده و مسیر بروز آسیب های اجتماعی را هموارتر می کند. بنابراین، مسئله اصلی نه صرفاً «تأمین مالی»، بلکه «مدیریت تربیتی و هیجانی خانواده در بستر ناامنی اقتصادی» است. مدیریتی که باید بتواند پیوندهای عاطفی را حفظ کند، امید را باز تولید کند و امنیت روانی نوجوان را در وضعیت بحران حفظ نماید. خلأ مهمی در ادبیات نظری وجود دارد: اغلب تحلیل های حوزه آسیب های اجتماعی یا صرفاً به عوامل کلان اقتصادی اشاره می کنند، یا تأکید را بر ویژگی های فردی نوجوانان می گذارند.

اما کمتر مطالعه ای به بررسی «نقش خانواده به عنوان میانجی مدیریت فشارهای اقتصادی و تربیت نوجوانان» پرداخته است. به ویژه از منظر رویکردهای فرهنگی، هیجانی و ارتباطی خانواده ها در مواجهه با بحران ها. این پژوهش تلاش می کند این خلأ را تا حدی جبران کند. با توجه به موارد فوق، هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل سازوکارهای اثر گذاری جنگ و ناامنی اقتصادی بر نوجوانان و تبیین راهبردهای

خانواده برای مدیریت این فشارها است. در این راستا، پرسش‌های اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. ناامنی اقتصادی ناشی از جنگ و بی‌ثباتی چه تأثیری بر رشد روانی، اجتماعی و تحصیلی نوجوانان دارد؟
۲. سازوکارهای بروز آسیب‌های اجتماعی نوجوانان در شرایط فشار معیشتی کدام‌اند؟
۳. خانواده‌ها چگونه می‌توانند فشارهای اقتصادی را به گونه‌ای مدیریت کنند که بر روابط عاطفی و تربیتی آنان با نوجوان اثر منفی نگذارد؟
۴. چه الگوهای ارتباطی، مهارتی و تربیتی برای تقویت تاب‌آوری نوجوانان در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی مؤثر است؟

این پژوهش بر آن است که نشان دهد خانواده حتی در محدودترین شرایط اقتصادی می‌تواند با اتخاذ راهبردهای فرهنگی، ارتباطی و هیجانی هدفمند، نقش «سپر حفاظتی» را ایفا کند و مانع از انتقال فشارهای ساختاری به تجربه روانی نوجوان شود. حفظ کیفیت روابط، گفت‌وگوی صمیمانه، تنظیم هیجان، واقع‌بینی امیدبخش و نهادینه‌سازی ارزش‌های مسئولیت‌پذیری و تاب‌آوری از جمله سازوکارهایی‌اند که خانواده را قادر می‌سازند تربیت نسل جدید را در میانه تهدیدهای معیشتی حفظ کرده و مسیر رشد سالم نوجوان را تقویت کنند.

بخش اول: مفاهیم و مبانی نظری

بند اول: مفهوم‌شناسی ناامنی اقتصادی و جنگ در زیست جهان خانواده

امنیت اقتصادی تنها به معنای سطح درآمد یا ثروت نیست، بلکه در ادبیات جامعه‌شناختی مدرن، با مفهوم «امنیت وجودی»^۱ گره خورده است. ناامنی اقتصادی در شرایط جنگ یا

^۱ Ontological Security

بحران، به معنای از دست دادن پیش‌بینی‌پذیری آینده و زوال حس اطمینان به تداوم زندگی روزمره است. در این وضعیت، «جنگ» لزوماً در جبهه‌های نبرد فیزیکی تعریف نمی‌شود. بلکه به معنای حضور مستمر تهدید، بی‌ثباتی در بازارها، تورم افسارگسیخته و فرسایش سرمایه‌های نمادین و مادی خانواده است. این ناامنی، زیست‌جهان خانواده را از یک محیط امن و آرام به فضایی مملو از اضطراب و «تلاش برای بقا» تبدیل می‌کند که در آن کارکردهای تربیتی تحت‌الشعاع نیازهای فیزیولوژیک و معیشتی قرار می‌گیرند.

بند دوم: نوجوانی و بحران: حساسیت‌های تحولی در شرایط بی‌ثباتی

نوجوانی دورانی است که با فرآیند «تفرد» و «شکل‌گیری هویت» شناخته می‌شود. از منظر روان‌شناسی تحولی (مانند نظریه اریکسون)، نوجوان در پی یافتن جایگاه خود در ساختار اجتماعی و ترسیم چشم‌اندازی برای آینده است. ناامنی اقتصادی و فضای ناشی از جنگ، این فرآیند را دچار اختلال می‌کند. نوجوانان به دلیل «مقایسه اجتماعی» با همسالان و تأثیرپذیری از ارزش‌های مصرفی رسانه‌ها، نسبت به فقر و محدودیت‌های معیشتی خانواده به شدت حساس هستند. در شرایط بحران، نوجوان احساس می‌کند «عاملیت»^۱ خود را برای ساختن آینده از دست داده است. این حس بی‌قدرتی و ابهام نسبت به آینده، می‌تواند به «آنومی فردی» یا گسست میان اهداف و ابزارهای دستیابی به آن‌ها منجر شود که ریشه اصلی بسیاری از بزهکاری‌ها و آسیب‌های رفتاری است.

^۱ Agency

یکی از معتبرترین چارچوب‌ها برای تحلیل این موضوع، مدل «رند کانگر» است. طبق این مدل، فشار اقتصادی (مانند از دست دادن شغل یا بدهی) مستقیماً باعث آسیب به نوجوان نمی‌شود، بلکه از طریق یک مسیر زنجیره‌ای اثر می‌گذارد:

۱. پریشانی والدین: فشار مالی منجر به افسردگی، اضطراب و تندخویی در والدین می‌شود.
۲. تعارضات زناشویی: اضطراب والدین به روابط آن‌ها سرایت کرده و تنش در فضای خانه حاکم می‌شود.
۳. اختلال در فرزندپروری: والدین مضطرب، تمرکز و حوصله کمتری برای نظارت، حمایت عاطفی و گفت‌وگو با نوجوان دارند. آن‌ها ممکن است به رفتارهای تنبیهی، سخت‌گیری افراطی یا برعکس، رهاشدگی و بی‌تفاوتی روی بیاورند. این «گسست در مراقبت»، خلأ عاطفی بزرگی ایجاد می‌کند که نوجوان را به سمت محیط‌های خارج از خانه و رفتارهای جبرانی آسیب‌زا سوق می‌دهد.

بند سوم: پیوند ناامنی معیشتی با آسیب‌های اجتماعی: تبیین جامعه‌شناختی

از منظر جامعه‌شناختی، هنگامی که ساختار پاداش‌دهی جامعه به دلیل جنگ و بی‌ثباتی مختل می‌شود، «نظریه فشار»^۱ رابرت مرتون مصداق می‌یابد. اگر نوجوان احساس کند مسیرهای مشروع برای رسیدن به منزلت و رفاه بسته شده است، ممکن است به «نوآوری انحرافی» روی بیاورد. آسیب‌هایی نظیر خشونت، سرقت‌های خُرد، گرایش به باندهای بزهکار یا حتی اعتیاد، در واقع پاسخ‌های ناسازگارانه نوجوان به فشارهای ساختاری است که خانواده نتوانسته آن‌ها را تعدیل کند. همچنین، کاهش سرمایه اجتماعی خانواده در اثر فقر، باعث می‌شود «نظارت اجتماعی» بر رفتار نوجوان کاهش یافته و او در برابر وسوسه‌های محیطی بی‌دفاع بماند.

^۱ Strain Theory

بخش دوم: چارچوب تاب آوری خانوادگی^۱

در مقابل رویکردهای آسیب شناسانه، نظریه تاب آوری (مانند دیدگاه فروما والش) بر این باور است که خانواده یک سیستم پویاست که می تواند در برابر بحران ها قد علم کند. تاب آوری به معنای نبود فشار نیست، بلکه به معنای توانایی خانواده برای «معنابخشی به بحران»، «حفظ نگاه مثبت» و «سازماندهی مجدد منابع» است. در این چارچوب، خانواده هایی که دارای نظام اعتقادی منسجم، ارتباطات باز و شفاف، و رهبری منعطف هستند، می توانند اثرات مخرب ناامنی اقتصادی را خنثی کنند. در واقع، تاب آوری خانوادگی به عنوان یک متغیر میانجی عمل می کند که مانع از تبدیل «فشار مالی» به «آسیب اجتماعی» در نوجوان می شود.

بخش سوم: فرسایش سرمایه فرهنگی و آموزشی

ناامنی اقتصادی ناشی از جنگ، منجر به «فقر زمانی» والدین نیز می شود. والدین برای تأمین معاش مجبور به اشتغال در چندین شغل یا ساعات کاری طولانی می شوند که نتیجه آن، کاهش حضور کیفی در کنار نوجوان است. این وضعیت باعث فرسایش سرمایه فرهنگی خانواده می شود. یعنی فرصت انتقال ارزش ها، مهارت های تفکر انتقادی و نظارت بر فعالیت های آموزشی و مجازی نوجوان از دست می رود. این خلأ تربیتی، نوجوان را به سمت الگوهای مرجع جایگزین (مانند اینفلوئنسرهای ناهنجار یا گروه های همسالان بزهکار) سوق می دهد که لزوماً پروای رشد اخلاقی او را ندارند. تحلیل نظری نشان می دهد که ناامنی اقتصادی یک متغیر ساده نیست، بلکه از طریق تخریب «اتمسفر عاطفی خانواده»، «اختلال در فرزندپروری» و «انسداد مسیرهای موفقیت»، نوجوان را در لبه آسیب های اجتماعی قرار می دهد. بنابراین، راهکارهای مقابله با این پدیده نباید صرفاً اقتصادی باشند، بلکه باید بر ترمیم پیوندهای داخلی خانواده و تقویت تاب آوری روانی-اجتماعی متمرکز شوند.

^۱ Family Resilience Framework

بخش چهارم: تحلیل ابعاد ناامنی اقتصادی و نقش خانواده در مدیریت پیامدهای آن بر نوجوانان

ناامنی اقتصادی پدیده‌ای تک‌ساحتی نیست، بلکه ترکیبی از فشارهای مادی، روانی، اجتماعی و معنایی است که شبکه روابط خانوادگی و نظام تربیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحلیل این پدیده مستلزم بررسی چندین لایه از تجربه زیسته خانواده و نوجوان است. لایه‌هایی که از سطح ساختار اقتصادی آغاز می‌شود و تا عمق روان‌شناختی و هویتی نوجوان امتداد می‌یابد. در این بخش، ناامنی اقتصادی در چهار بُعد اصلی تحلیل می‌شود و برای هر بُعد، نقش خانواده به عنوان نهاد تنظیم‌کننده تجربیات نوجوان بررسی خواهد شد.

بند اول: بُعد روانی - عاطفی: انتقال اضطراب ساختاری به زیست جهان نوجوان

ناامنی اقتصادی ابتدا بر روان والدین اثر می‌گذارد و این پریشانی هیجانی از طریق فرایندهای ارتباطی به نوجوان منتقل می‌شود. این انتقال از چند مسیر صورت می‌گیرد: فرسایش آرامش خانواده: فشار مالی باعث می‌شود والدین زمان کمتری برای تعامل عاطفی داشته باشند و کیفیت گفت‌وگوهای روزانه کاهش یابد. تنش دائمی، خانه را از «محیط امن» به «محیط واکنشی» تبدیل می‌کند. پیش‌بینی ناپذیری هیجانی: نوجوانان در برابر تغییرات خلق‌وخوی والدین بسیار حساس‌اند. ناامنی اقتصادی نوسان عاطفی والدین را افزایش می‌دهد و نوجوان دچار سردرگمی می‌شود: چه چیزی باعث عصبانیت می‌شود؟ چه زمانی آرامش بازمی‌گردد؟ کاهش احساس ارزشمندی: بسیاری از نوجوانان مشکلات اقتصادی را شخصی‌سازی می‌کنند و فکر می‌کنند «بار خانواده» هستند. این احساس در دوره شکل‌گیری هویت، اثراتی عمیق بر عزت نفس و امید به آینده دارد. نقش خانواده در این بُعد کارکرد اصلی خانواده در اینجا تنظیم هیجان جمعی است. خانواده باید قادر باشد میان واقعیت اقتصادی و روابط عاطفی مرزی روشن ایجاد کند. یعنی نوجوان بداند بحران وجود دارد، اما آن را تهدیدی علیه ارزشمندی خود برداشت نکند. والدینی که احساسات خود را به شکل متعادل بازنمایی می‌کنند (نه انکار

افراطی، نه بروز خام و بدون کنترل)، مانع از سرایت اضطراب ساختاری به هویت نوجوان می شوند.

بند دوم: بُعد ارتباطی - تربیتی: اختلال در انسجام و اقتدار خانواده

ناامنی اقتصادی تنها یک بحران مالی نیست. یک «بحران سازماندهی» در خانواده است. فشارهای معیشتی معمولاً ساختار ارتباطی خانواده را دچار اختلال می کند: کاهش اقتدار والدین: زمانی که والدین توان تأمین نیازهای نوجوان را ندارند، ممکن است اقتدار تربیتی شان تضعیف شود و نوجوان نسبت به محدودیت ها، توصیه ها و نظارت های آنان واکنش منفی نشان دهد. افزایش تعارضات درون خانوادگی: فشار مالی احتمال اختلاف میان والدین را افزایش می دهد و نوجوان به عنوان ناظر، پیام های متناقض دریافت می کند. جابه جایی نقش ها: در برخی موارد نوجوان مجبور می شود نقش های بزرگسالانه بپذیرد. مانند کارگری، مراقبت از خواهر و برادر یا مدیریت امور خرد خانه. این پدیده «تسریع بزرگسالی»^۱ نام دارد و رشد طبیعی او را مختل می کند. نقش خانواده در این بُعد خانواده باید بتواند انسجام ارتباطی خود را حفظ کند. این انسجام از طریق سه سازوکار ممکن می شود:

۱. وحدت پیام والدین (هماهنگی تربیتی)
۲. گفت و گوی حل مسأله محور به جای گفت و گوی تنش محور
۳. بازتوزیع واقع بینانه نقش ها بدون تحمیل بار بزرگسالی بر نوجوان

^۱ Adulthood

بند سوم: بُعد اجتماعی - هویتی: تضعیف سرمایه اجتماعی و خطر گسترش آسیب‌ها

ناامنی اقتصادی معمولاً با کاهش مشارکت اجتماعی خانواده همراه است. چرا که توانایی والدین برای نظارت، مشارکت در مدرسه، یا ایجاد ارتباط با شبکه همسایگی کاهش می‌یابد. پیامدهای این وضعیت عبارت‌اند از:

- کاهش سرمایه اجتماعی پیوندی: خانواده پیوندهای حمایتی خود را از دست می‌دهد و نوجوان بدون «شبکه نظارتی» رها می‌شود.
- افزایش جذابیت گروه‌های جایگزین: نوجوانانی که دچار قحطی عاطفی و اجتماعی می‌شوند، ممکن است جذب گروه‌های پرخطر، همسالان بزهکار یا فضاهای مجازی بی‌ضابطه شوند.
- اختلال در شکل‌گیری هویت: نبود الگوهای مثبت و کمبود حمایت‌های اجتماعی، نوجوان را در مرحله «بحران هویت» آسیب‌پذیرتر می‌کند و او مسیرهای شدت‌گرا یا رفتارهای پرخطر را برای اثبات خود انتخاب می‌کند. خانواده باید فعالانه به بازسازی سرمایه اجتماعی پردازد. حتی در شرایط اقتصادی دشوار. این بازسازی از طریق تقویت روابط داخل خانواده، تعاملات همدلانه با بستگان یا حضور حداقلی در گروه‌های آموزشی و فرهنگی ممکن است. مهم‌تر از همه، خانواده باید مدل‌های هویتی مثبت و سازنده را هرچند محدود در دسترس نوجوان قرار دهد.

بند چهارم: بُعد انگیزشی - تحصیلی: انسداد افق آینده و فرسایش تلاش تحصیلی

تحصیل و امید به آینده یکی از اصلی‌ترین مسیرهای «تحرک اجتماعی» نوجوانان است. ناامنی اقتصادی اما این مسیر را مبهم و حتی بی‌معنا می‌سازد: نوجوان آینده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر می‌بیند

و انگیزه تحصیلی کاهش می یابد. احساس می کند «حتی اگر تلاش کند»، پاداشی دریافت نخواهد کرد. این همان تجربه «درماندگی آموخته شده» است. فشار مالی خانواده ممکن است نوجوان را به ترک تحصیل یا اشتغال زودهنگام سوق دهد. خانواده باید بتواند «معنای تحصیل» را بازتولید کند. به ویژه در شرایطی که پاداش های بیرونی کاهش می یابند. والدین می توانند از طریق تقویت امید واقع بینانه، روایت های الهام بخش و حمایت تحصیلی حتی اگر مادی محدود باشد به نوجوان کمک کنند تا مسیر آموزشی خود را حفظ کند. ناامنی اقتصادی از چهار دروازه اصلی هیجان، ارتباط، هویت و انگیزش به دنیای نوجوان نفوذ می کند. نقش خانواده این است که این چهار دروازه را کنترل و مدیریت کند تا فشارهای ساختاری به تجربه های آسیب زای فردی تبدیل نشوند. خانواده هایی که توان تنظیم هیجان، انسجام تربیتی، بازسازی سرمایه اجتماعی و تقویت امید تحصیلی را دارند، حتی در شدیدترین بحران ها نیز می توانند از نوجوان محافظت کنند.

بخش پنجم: راهبردهای خانواده برای مدیریت فشارهای معیشتی و حمایت از نوجوانان

مدیریت فشارهای ناشی از ناامنی اقتصادی امری صرفاً مالی نیست. بلکه یک فرایند چندسطحی است که نیازمند بازآرایی هیجانی، ارتباطی، هویتی و انگیزشی در خانواده است. در واقع، خانواده به مثابه یک «نظام تاب آور»، باید بتواند میان واقعیت های اقتصادی و نیازهای تربیتی نوجوان تعادل ایجاد کند. در این بخش، مهم ترین راهبردهای خانواده در پنج محور اصلی ارائه می شود.

بند اول: راهبردهای هیجانی: تنظیم فضای عاطفی خانواده

برای جلوگیری از انتقال مستقیم اضطراب اقتصادی به نوجوان، خانواده باید «تنظیم هیجان جمعی» را هدف قرار دهد. مهم ترین عناصر این حوزه عبارت اند از: بازنمایی مدیریت شده

بحران: والدین باید وضعیت اقتصادی را نه پنهان کنند و نه به صورت خام و آشفته منتقل کنند. توضیح واقع‌بینانه همراه با پیام‌های امیدبخش، سطح اضطراب نوجوان را کنترل می‌کند. ایجاد امنیت هیجانی پایدار: نوجوان باید بداند که محبت و حمایت والدین از وضعیت مالی مستقل است. این پیام، مانع از شکل‌گیری احساس گناه یا بی‌ارزشی در نوجوان می‌شود. پرهیز از الگوهای هیجانی آسیب‌زا: مانند سرزنش متقابل والدین، انفجارهای ناگهانی خشم، سکوت‌های طولانی یا انتقاد مداوم از شرایط. این الگوها به‌طور مستقیم با اضطراب، پرخاشگری و احساس بی‌پناهی نوجوان مرتبط‌اند. تنظیم هیجان خانواده، سپری در برابر «سرایت عاطفی» بحران اقتصادی به هویت نوجوان ایجاد می‌کند.

بند دوم: راهبردهای ارتباطی - تربیتی: حفظ انسجام و اقتدار والدینی

در شرایط ناامنی اقتصادی، حفظ اقتدار تربیتی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نوجوان نیازمند ثبات در قواعد، انسجام در پیام‌ها و حضور مؤثر والدین است. هماهنگی تربیتی والدین: والدین باید قوانین، انتظارات و حدود را به صورت مشترک تنظیم کنند تا نوجوان پیام‌های متناقض دریافت نکند. گفت‌وگوی مشارکتی: گفت‌وگو نباید تنها محدود به مشکلات اقتصادی باشد. نوجوان باید بتواند نگرانی‌ها، رویاها و خواسته‌های خود را بدون ترس از قضاوت بیان کند. تفکیک نقش‌ها و جلوگیری از «بزرگسال‌سازی نوجوان»: نباید فشار اقتصادی باعث تحمیل نقش‌های بزرگسالانه به نوجوان شود. مشارکت تکلیفی با مشارکت تحمیلی تفاوت دارد. ثبات در قواعد خانوادگی: حتی در شرایط بحران، نباید نظم، حریم‌ها و برنامه‌ریزی روزانه فروپاشد. زیرا نوجوان بیش از هر زمان دیگری نیازمند قابل‌پیش‌بینی بودن محیط است. انسجام ارتباطی، مرزهای تربیتی را حفظ می‌کند و از تبدیل بحران مالی به بحران هویتی پیشگیری می‌نماید.

بند سوم: راهبردهای هویتی - اجتماعی: بازسازی سرمایه اجتماعی خانواده

سرمایه اجتماعی نقشی اساسی در محافظت از نوجوانان در شرایط فشار اقتصادی دارد. والدین می توانند even با کمترین هزینه شبکه های حمایتی را تقویت کنند. تقویت روابط حمایت گرانه داخل خانواده: مانند وقت گذرانی مشترک، گفتگوهای روزانه، فعالیت های جمعی و آیین های خانوادگی. این عناصر حس تعلق و امنیت هویتی ایجاد می کنند. استفاده از شبکه های اجتماعی سالم: مشارکت در جمع های آموزشی، فرهنگی یا مذهبی کم هزینه می تواند دسترسی نوجوان به الگوهای مثبت و حمایت اجتماعی را افزایش دهد. محدودسازی ارتباط با گروه های پرخطر: نظارت غیرمستقیم والدین بر دوستان و محیط های فیزیکی و مجازی نوجوان مانع از پیوند با گروه های آسیب زا می شود. معناسازی مجدد از بحران های اقتصادی: خانواده هایی که بحران را فرصتی برای همدلی، همکاری و مسئولیت پذیری معرفی می کنند، از فرسایش هویت نوجوان جلوگیری می کنند. سرمایه اجتماعی نقش یک سپر بیرونی را ایفا می کند که نوجوان را از جذب محیط های پرخطر دور نگه می دارد.

بند چهارم: راهبردهای انگیزشی - تحصیلی: حفاظت از مسیر رشد نوجوان

در شرایط فشار اقتصادی، مسیر تحصیلی و آینده نگری بیش از سایر حوزه ها تهدید می شود. خانواده می تواند نقش تعیین کننده ای ایفا کند: پایدارسازی امید واقع بینانه: والدین باید به نوجوان نشان دهند که آموزش — even در شرایط بحران — راهی مطمئن برای ارتقای آینده است. تقویت کارکردهای انگیزشی: از طریق تشویق، نظارت معقول بر تکالیف، پیگیری وضعیت تحصیلی و ایجاد ساختارهای مطالعه در خانه. جلوگیری از ترک تحصیل زودهنگام: فشار اقتصادی نباید منجر به تصمیم گیری های عجولانه شود. والدین باید برای هرگونه گزینه اشتغال زودهنگام پیامدهای بلندمدت را توضیح دهند. استفاده از منابع آموزشی کم هزینه: کتابخانه ها، دوره های رایگان و محتوای آموزشی آنلاین می تواند خلأهای مالی را تا حدی

جبران کند. حفظ مسیر تحصیلی یعنی حفظ اصلی ترین مسیر «تحرک اجتماعی» نوجوان در آینده.

بند پنجم: راهبردهای مدیریت اقتصادی خانواده: بازتنظیم منابع و کاهش تنش

نادیده گرفتن مدیریت اقتصادی خانواده نیز ممکن نیست راهبردهای کلیدی در پژوهش حاضر عبارت اند از: بودجه بندی شفاف و مشارکتی: نوجوانان باید بفهمند که مدیریت مالی یک مهارت است نه یک تهدید. مشارکت محدود و متناسب آنان می تواند حس مسئولیت را افزایش دهد. اولویت بندی هزینه ها: خانواده باید هزینه های غیر ضروری را کاهش داده و سرمایه گذاری بر آموزش و سلامت روان نوجوان را در مرکز قرار دهد. تقویت شیوه های صرفه جویانه سالم: نه صرفه جویی رنج آور، بلکه مدیریت مصرف عقلانی بدون ایجاد حس کمبود در نوجوان.

جلوگیری از بی ثباتی ناگهانی: تغییرات ناگهانی در سبک زندگی (قطع کامل تفریحات، حذف همه فعالیت ها) پیام های تنش زا به نوجوان منتقل می کند و نباید یکباره اجرا شود. مدیریت اقتصادی هوشمندانه باعث کاهش تنش های روزمره شده و فضای روانی خانواده را پایدارتر می کند. راهبردهای فوق نشان می دهد که خانواده even در شرایط شدید ناامنی اقتصادی می تواند با فعال سازی چهار حوزه کلیدی (هیجان، ارتباط، هویت و انگیزش) مسیرهای آسیب زا را مسدود کند. راهبردهای مؤثر، آن هایی هستند که بحران را مدیریت می کنند، نه پنهان. روابط را اولویت می دهند، نه منابع مادی را. مسیر آینده را روشن می سازند، نه مسدود. نوجوان را در مرکز توجه قرار می دهند، نه در حاشیه محدودیت ها.

بخش ششم: چالش‌ها و محدودیت‌های خانواده‌ها در مدیریت فشارهای معیشتی و تربیت نوجوانان

با وجود آن‌که خانواده مهم‌ترین نهاد محافظتی در برابر پیامدهای ناامنی اقتصادی محسوب می‌شود، اما توانمندی خانواده برای ایفای این نقش همواره با محدودیت‌ها و چالش‌های متعددی مواجه است. در واقع، نمی‌توان از خانواده انتظار داشت که به‌تنهایی تمامی پیامدهای ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی را مدیریت کند؛ زیرا خود خانواده نیز در بطن همان ساختارهای فشارزا قرار دارد. تحلیل این چالش‌ها نشان می‌دهد که ظرفیت تاب‌آوری خانواده‌ها در سه سطح ساختاری، فرهنگی و روانی با محدودیت‌هایی مواجه است.

نخستین چالش به محدودیت‌های ساختاری و اقتصادی بازمی‌گردد. خانواده‌هایی که با فشارهای معیشتی مستمر مواجه‌اند، بخش قابل‌توجهی از انرژی خود را صرف تأمین نیازهای اولیه زندگی می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود که زمان و ظرفیت ذهنی والدین برای تعامل تربیتی، نظارت بر رفتار نوجوانان و مشارکت در فعالیت‌های آموزشی کاهش یابد. فشار اقتصادی مداوم اغلب با اشتغال چندگانه والدین، ساعات کاری طولانی و خستگی مزمن همراه است؛ عواملی که کیفیت ارتباط عاطفی و تربیتی میان والدین و نوجوانان را به‌طور محسوسی کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی، حتی والدینی که از نظر نگرشی و ارزشی نسبت به تربیت فرزندان حساس هستند، ممکن است در عمل توان اجرای الگوهای تربیتی مطلوب را از دست بدهند.

چالش دوم به محدودیت‌های دانشی و مهارتی در حوزه تربیت و مدیریت بحران مربوط می‌شود. بسیاری از خانواده‌ها فاقد آموزش‌های لازم در زمینه مهارت‌های ارتباطی، تنظیم هیجان، یا مدیریت تعارض در شرایط بحران هستند. در نتیجه، فشار اقتصادی به‌جای آن‌که از طریق گفت‌وگوی عقلانی و مدیریت جمعی حل شود، به شکل تعارضات مکرر، سرزنش

متقابل یا سکوت‌های طولانی در فضای خانواده بروز می‌یابد. این الگوهای ارتباطی ناکارآمد می‌تواند زمینه‌ساز انتقال اضطراب و ناامنی به نوجوانان شود.

چالش سوم به تغییرات فرهنگی و تحولات نسلی مرتبط است. نوجوانان امروز در فضایی اجتماعی و رسانه‌ای رشد می‌کنند که الگوهای مصرف، موفقیت و سبک زندگی در آن به شدت متنوع و گاه دست‌نیافتنی است. مواجهه روزمره نوجوان با تصاویر و روایت‌هایی از رفاه، موفقیت سریع یا سبک زندگی پرهزینه می‌تواند فاصله میان واقعیت اقتصادی خانواده و انتظارات ذهنی او را افزایش دهد. این شکاف ادراکی گاه موجب شکل‌گیری احساس محرومیت نسبی، نارضایتی از خانواده و کاهش پذیرش اقتدار والدین می‌شود. باید به فرسایش روانی والدین نیز اشاره کرد. استمرار فشارهای اقتصادی می‌تواند احساس ناکارآمدی، اضطراب و ناامیدی را در والدین تقویت کند. چنین احساساتی نه تنها بر سلامت روان آنان تأثیر می‌گذارد، بلکه به‌طور غیرمستقیم فضای عاطفی خانواده را نیز متأثر می‌سازد. والدینی که خود درگیر استرس و نگرانی شدید هستند، کمتر قادرند نقش تنظیم‌کننده هیجانات و حامی روانی نوجوانان را ایفا کنند. چالش‌های فوق نشان می‌دهد که انتظار مدیریت کامل پیامدهای ناامنی اقتصادی توسط خانواده بدون حمایت‌های اجتماعی و سیاستی واقع‌بینانه نیست. از همین رو، نقش نهادهای آموزشی، فرهنگی و سیاستی در تقویت ظرفیت خانواده‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

• پیشنهادات سیاستی و مداخلات اجتماعی

با توجه به ماهیت چندبعدی ناامنی اقتصادی و پیامدهای آن بر نوجوانان، مواجهه مؤثر با این مسئله نیازمند رویکردی فراتر از مداخلات فردی یا خانوادگی است. در واقع، مدیریت این پدیده مستلزم ترکیبی از سیاست‌های اجتماعی، برنامه‌های آموزشی و مداخلات فرهنگی است که بتواند ظرفیت خانواده‌ها را برای حمایت از نوجوانان تقویت کند.

یکی از مهم ترین حوزه های مداخله، تقویت آموزش های خانواده محور است. نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی می توانند با طراحی برنامه های آموزشی ویژه والدین، مهارت هایی همچون مدیریت استرس اقتصادی، ارتباط مؤثر با نوجوانان، تنظیم هیجان و حل تعارض را آموزش دهند. چنین برنامه هایی باید به گونه ای طراحی شوند که برای خانواده ها قابل دسترس، کاربردی و متناسب با شرایط اجتماعی آنان باشند. مدارس می توانند به عنوان یکی از مهم ترین پایگاه های ارتباطی با خانواده ها، نقش کلیدی در انتقال این آموزش ها ایفا کنند.

دومین محور سیاستی، گسترش نظام های حمایت اجتماعی از خانواده ها است. سیاست های حمایتی مانند کمک های هدفمند معیشتی، تسهیل دسترسی به خدمات مشاوره ای، یا ایجاد فضاهای فرهنگی و آموزشی کم هزینه می تواند فشار اقتصادی بر خانواده ها را تا حدی کاهش دهد. کاهش فشارهای اولیه معیشتی به خانواده اجازه می دهد که انرژی و تمرکز بیشتری برای توجه به نیازهای روانی و تربیتی نوجوانان داشته باشد.

سومین حوزه مداخله به تقویت نقش نهادهای اجتماعی و محلی مربوط می شود. سازمان های محلی، مراکز فرهنگی، نهادهای مدنی و انجمن های آموزشی می توانند شبکه های حمایتی برای خانواده ها ایجاد کنند. چنین شبکه هایی نه تنها منابع اطلاعاتی و آموزشی فراهم می کنند، بلکه احساس تعلق اجتماعی و همبستگی را نیز تقویت می نمایند. حضور نوجوانان در محیط های اجتماعی سالم و حمایتی می تواند از جذب آنان به گروه های پرخطر جلوگیری کند.

چهارمین محور سیاستی به نقش رسانه ها و تولیدات فرهنگی مربوط است. رسانه ها می توانند با ارائه روایت های واقع بینانه از زندگی خانوادگی، موفقیت های مبتنی بر تلاش و ارزش های همبستگی اجتماعی، در کاهش فشارهای فرهنگی ناشی از الگوهای مصرف گرایانه نقش ایفا کنند. همچنین برنامه های آموزشی رسانه ای برای نوجوانان می تواند آنان را در درک بهتر واقعیت های اقتصادی و اجتماعی یاری دهد. لازم است رویکردی یکپارچه میان نهادهای آموزشی، اجتماعی و فرهنگی شکل گیرد. مسئله ناامنی اقتصادی و پیامدهای آن بر نوجوانان را

نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک نهاد یا سیاست منفرد حل کرد؛ بلکه نیازمند هماهنگی میان سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های آموزشی و مداخلات اجتماعی است تا بتوان به‌صورت پایدار از خانواده‌ها و نسل نوجوان حمایت کرد.

نتیجه‌گیری

تحلیل رابطه میان ناامنی اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان نشان می‌دهد که فشارهای معیشتی تنها یک مسئله اقتصادی نیستند، بلکه به‌طور مستقیم بر ساختار عاطفی، ارتباطی و هویتی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارند. در چنین شرایطی، نوجوانان که در مرحله‌ای حساس از شکل‌گیری هویت و آینده‌نگری قرار دارند، بیش از سایر گروه‌های سنی در معرض پیامدهای روانی و اجتماعی این بی‌ثباتی قرار می‌گیرند. بررسی ابعاد مختلف این پدیده نشان داد که ناامنی اقتصادی می‌تواند از طریق افزایش اضطراب خانوادگی، اختلال در روابط تربیتی، کاهش سرمایه اجتماعی و تضعیف انگیزه‌های تحصیلی، زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی در میان نوجوانان شود. با این حال، خانواده همچنان مهم‌ترین سپر حمایتی در برابر این پیامدها باقی می‌ماند. خانواده‌هایی که قادرند فضای عاطفی امن، ارتباطات منسجم و افق‌های امیدبخش برای آینده نوجوانان فراهم کنند، حتی در شرایط فشار اقتصادی نیز می‌توانند از بسیاری از آسیب‌های احتمالی پیشگیری نمایند. نباید نقش محدودیت‌های ساختاری و اجتماعی را نادیده گرفت. ظرفیت خانواده‌ها برای مدیریت بحران اقتصادی همواره در چارچوب شرایط اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تر شکل می‌گیرد. بنابراین، حمایت مؤثر از نوجوانان مستلزم تقویت همزمان دو سطح مداخله است: از یک سو توانمندسازی خانواده‌ها از طریق آموزش و توسعه مهارت‌های تربیتی، و از سوی دیگر ایجاد سیاست‌ها و ساختارهای حمایتی که فشارهای معیشتی را کاهش دهد. مدیریت پیامدهای ناامنی اقتصادی بر نوجوانان بیش از آن‌که وابسته به میزان منابع مالی خانواده باشد، به کیفیت روابط خانوادگی، سطح تاب‌آوری اجتماعی و وجود شبکه‌های حمایتی بستگی دارد. خانواده‌ای که بتواند در دل محدودیت‌های اقتصادی نیز

پیوندهای عاطفی، انسجام تربیتی و امید به آینده را حفظ کند، قادر خواهد بود از نوجوانان در برابر بسیاری از آسیب‌های اجتماعی محافظت نماید و زمینه رشد سالم آنان را فراهم سازد.

منابع و مآخذ

۱. اعتماد، فریده؛ قاسم‌پور، مصطفی. (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی خانواده در ایران: تحولات، چالش‌ها و چشم‌اندازها*. تهران: نشر شیرازه.
۲. باقری، خسرو؛ رحمانی، بتول. (۱۳۹۹). «تأثیر ناامنی اقتصادی خانواده بر شکل‌گیری هویت بحران‌زده در نوجوانان». *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۷(۴)، ۸۵-۱۱۰.
۳. تقی‌پور، زهرا؛ امینی، سعید. (۱۴۰۰). «نقش خانواده در تاب‌آوری نوجوانان در برابر فشارهای اقتصادی: مطالعه‌ای کیفی». *مطالعات خانواده*، ۱۷(۳)، ۴۵-۶۸.
۴. حیدری، علی‌اکبر؛ محمدی، رضا. (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین ناامنی اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان». *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۳)، ۱۲۳-۱۴۵.
۵. کانگر، رند؛ گرین، جان؛ ویلیامز، لری. (۱۳۹۸). *اقتصاد خانواده: روان‌شناسی فشارهای اقتصادی بر خانواده*. ترجمه مریم زمانی. تهران: انتشارات رشد.
۶. ساروخانی، باقر. (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۷. شریفی، مهسا. (۱۳۹۸). «تحلیل تأثیر فشارهای اقتصادی خانواده بر رفتارهای پرخطر نوجوانان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۸. رستمی، فاطمه؛ حسینی، مریم. (۱۳۹۷). «تأثیر ناامنی اقتصادی بر روابط والد-فرزند و پیش‌بینی رفتارهای پرخطر در نوجوانان». *زن و جامعه*، ۹(۳)، ۶۷-۸۹.
۹. کریمی، یوسف؛ کریمی، داود. (۱۳۹۹). «فضای روانی خانواده در مواجهه با بحران‌های اقتصادی: راهبردهای تنظیم هیجان والدین». *مطالعات روان‌شناختی*، ۱۶(۲)، ۹۱-۱۱۵.
۱۰. فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۹۵). «مصرف‌گرایی و فشارهای فرهنگی بر خانواده‌های طبقه متوسط شهری». *پژوهش‌های فرهنگی ایران*، ۹(۱)، ۷۵-۹۲.

۱۱. موسوی، علی؛ داوری، الهام. (۱۳۹۸). «تحلیل پیامدهای بحران اقتصادی بر کارکردهای خانواده ایرانی». پژوهش‌نامه خانواده، ۱۵(۲)، ۴۸-۲۱.
۱۲. صالحی، اعظم؛ حبیبی، نیره. (۱۳۹۷). «نقش حمایت اجتماعی در کاهش اثرات روانی ناامنی اقتصادی بر نوجوانان». روان‌شناسی اجتماعی، ۱۲(۴)، ۷۹-۵۵.
۱۳. فراهانی، نرگس. (۱۳۹۶). «عوامل اجتماعی مرتبط با احساس محرومیت نسبی در نوجوانان». جامعه‌شناسی جوانان، ۵(۲)، ۱۰۹-۸۳.
۱۴. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
۱۵. گل‌محمدی، حسین. (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی بحران‌های اقتصادی، جامعه‌شناسان.
۱۶. حسینی، مهدی. (۱۳۹۴). خانواده، سرمایه اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی. تهران: پژوهشگاه علوم اجتماعی.
۱۷. مرتون، رابرت کی. (۱۳۹۴). نظریه جامعه‌شناختی و جامعه آمریکا. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات سمت.
۱۸. فروما، سوزان؛ والش، فردریک. (۱۳۹۶). تاب‌آوری خانواده: فراتر از بقا. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. تهران: نشر دانژه.
۱۹. محسنی تبریزی، علی. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نوجوانی. تهران: نشر آگه.
۲۰. مجتهدی، مریم؛ کیانی، محمد. (۱۳۹۶). «نقش سرمایه اجتماعی خانواده در کاهش آسیب‌های اجتماعی نوجوانان تحت فشار اقتصادی». مطالعات راهبردی زنان
۲۱. نیکنام، زهرا. (۱۳۹۷). «تاب‌آوری خانوادگی و نقش آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی نوجوانان مناطق کم‌برخوردار». پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. نادری، امیر. (۱۳۹۹). «ناامنی اقتصادی و تغییرات کارکرد خانواده ایرانی». رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
۲۳. یگانه، داود؛ موسوی، سیدحسن. (۱۳۹۹). کودکان و نوجوانان در معرض آسیب‌های اجتماعی: مبانی نظری و راهکارهای پیشگیرانه. تهران: انتشارات سمت.